

تحلیل میزان بازدارندگی سیاست کیفری ایران در برخورد با بزه بدحجابی (مطالعه موردی استان قم)

وحید نکونام^۱
معصومه محمودی^۲

چکیده

شدیدترین مکانیزم رسمی برای حمایت از یک ارزش و هنجار اجتماعی، ضمانت اجرای کیفری است. از روزگاران قدیم، دولت‌ها برای حفظ ارزش‌های مورد تأکید خود، نقض آن ارزش‌ها را جرم دانسته و برای آن، مجازات تعیین کرده‌اند. رعایت پوشش شرعی، از ضروریات دین اسلام و از هنجارهای جامعه ایران است؛ لذا عدم رعایت حجاب در تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات ایران، جرم‌انگاری شده است. اعمال کیفر می‌تواند تهدیدی قابل توجه برای اشخاصی باشد که اندیشه جرم بدحجابی را در سر می‌پرورانند و مرتکب را نیز از ارتکاب مجدد جرم باز می‌دارد؛ زیرا پیشگیری در مفهوم موسع، علاوه بر اقدامات غیرکیفری، مشمول اقدامات کیفری نیز می‌شود. این تحقیق، با رویکرد تحلیلی- اسنادی، بدواً به بررسی اجزا و عناصر جرم از منظر قانون مجازات اسلامی می‌پردازد و سپس به روش مطالعه موردی و در قالب پرسشنامه، رویکرد مخاطبین در شهر قم را در موضوع جرم‌انگاری تحلیل می‌کند. نتایج تحلیل آماری این پژوهش حاکی از آن است که میان پیشگیری کیفری و کاهش بدحجابی در سطح ۱٪ $\text{sig} <$ رابطه معنادار مستقیم وجود داشته و قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد. البته شدت این رابطه در میان گروه‌ها مختلف است. بیشترین شدت رابطه، مربوط به گروه روحانیون و کمترین شدت رابطه، مربوط به گروه بازاریان است.

واژگان کلیدی: حجاب، پیشگیری، بدحجابی، مجازات، جرم.

۱. استادیار گروه حقوق دانشگاه حضرت معصومه، قم، ایران (نویسنده مسئول)؛ vahid.nekoonam@gmail.com.

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی قم، قم، ایران؛ mahmoodi.masoomeh.125@gmail.com.

لزوم رعایت حجاب اگرچه مناقشاتی را در میزان و چگونگی آن پدیدار ساخته است؛ لکن در اصل وجوب آن به عنوان یکی از مسلمات شریعت اسلامی، بحث چندانی نیست. نهادینه سازی فرهنگ حجاب و عفاف به عنوان یکی از ضرورت های باورهای دینی، مستلزم برنامه ریزی صحیح در سه حوزه فرد، خانواده و جامعه بوده و به کارگیری پیشگیری جامعه محور در اولویت است؛ بااین حال شدیدترین مکانیزم رسمی برای حمایت از یک ارزش و هنجار اجتماعی، ضمانت اجرای کیفری است. اصولاً جرم انگاری به عنوان شدیدترین ضمانت اجرای حکومت، در عین داشتن مزایا، هزینه هایی را بر حاکمیت تحمیل می کند. جرم انگاری پدیده بی حجابی نیز مستلزم پیش بینی چنین هزینه هایی است که از جمله می توان به درگیر ساختن بخشی از ضابطان قوه قضاییه تحت عنوان گشت ارشاد اشاره نمود. این امر علاوه بر هزینه های مالی استخدام و به کارگیری ضابطان زن، به جهت برخی رفتارهای اشتباه از سوی این ضابطان و نیز مقاومت های فردی و سازمان یافته با این نوع مواجهه، مقبولیت اجتماعی جرم انگاری را زیر سؤال می برد. این ایرادات در حال حاضر سبب گردیده است قوه قضاییه و مجریه، لایحه ای را در حوزه عفاف و حجاب به مجلس ارسال نمایند که در زمان نگارش این مقاله، با اشکالات شورای محترم نگهبان، مجدداً در مجلس در حال بررسی است. نکته اساسی در این بحث آن است که به رغم اینکه در جرم انگاری بی حجابی، قطعاً هزینه هایی بر حاکمیت تحمیل می گردد، اما به استناد اصل ۴ قانون اساسی که بر قلمرو قواعد حقوقی مبتنی بر موازین اسلامی تأکید دارد، حجاب تحت حمایت کیفری قرار گرفته و مسئولیت اجتماعی دولت در قبال پاسداری از ارزش های اسلامی و عینیت بخشی به اخلاق در جامعه و جلوگیری از بزه دیدگی زنان و ایجاد حس امنیت در آنان، به عنوان مبنای جرم انگاری این پدیده مطرح شده است.

با جرم انگاری موضوع، این عقیده تقویت می شود که رعایت حجاب به عنوان منافع ارزشی و اعتقادی جامعه محسوب شده و مخالفت با آن، نوعی مخالفت با ارزش های اساسی حکومت است. برخی دولت ها به ویژه دولت های اسلامی به منظور حفظ اجتماعی پاره ای از

ارزش‌های دینی در راستای سعادت‌مندی افراد، در ملاحظات جرم‌انگارانه خود، علاوه بر توجه به حوزه‌های عمومی، به جهت اهمیت ارزش‌های مورد حمایت، به حریم خصوصی نیز ورود می‌یابند و برخی رفتارهایی که ارتباطی با حقوق کیفری ندارد و مستلزم ابزارهای فرهنگی و غیرحقوقی است، در عرصه جرم‌انگاری وارد ساخته‌اند. نحوه پوشش افراد به خصوص زنان به عنوان مصداقی از این موضوع قلمداد می‌گردد (محمودی و بابایی، ۱۳۹۹، ص ۲۵۵). این دیدگاه، هرچند از این منظر که حجاب به عنوان ارزشی دینی مورد حمایت کیفری قرار گرفته صحیح می‌باشد، لکن حجاب امری شخصی نیست؛ بلکه ابعاد اجتماعی دارد و دلیل الزام حقوقی آن نیز همین امر است.

گنجاندن جرائم در غالب قوانین موضوعه با وضع مجازات‌های گوناگون، به عنوان ضمانت اجرای ارتکاب هریک از آنها می‌تواند رسالت حقوق جزا را در ایمن‌سازی حریم اجتماع محقق سازد. لذا با توجه به اینکه رعایت پوشش شرعی، از ضروریات دین اسلام و از هنجارهای جامعه ایران است، بدحجابی در تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی، جرم‌انگاری شده و برای ارتکاب آن، مجازات ده روز تا دو ماه حبس و پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی در نظر گرفته شده است. در خصوص این پژوهش، چند نکته قابل ذکر است:

اول: پیشگیری از حجاب، به جهت چند بعدی بودن، تنها در حوزه پیشگیری کیفری قرار نمی‌گیرد و توجه به پیشگیری اجتماعی (جامعه محور و رشد‌مدار) نیز امری لازم است. به همین جهت، در لایحه حجاب و عفاف، به مقولات فرهنگی و ایجابی نیز توجه شده است. دوم: این پژوهش بر تبصره ماده ۶۳۸ متمرکز بوده و نتایج آن نیز مبتنی بر همین پیش‌فرض است. این در حالی است که گاهی قصد افساد یا مفسده‌آمیزی فرد بی‌حجاب، وی را مشمول ماده ۶۳۹ ق.م.ا قرار می‌دهد. همچنین بی‌حجابی سازمان یافته، در حوزه جرایم علیه امنیت قرار می‌گیرد.

با این مقدمات، هدف از نگارش این مقاله، بررسی تأثیرگذاری فرایند جرم‌انگاری و مجازات‌گزینی در کنترل و پیشگیری از وقوع جرم بی‌حجابی در شهر قم است. در قسمت نخست این مقاله، به مفهوم‌شناسی پرداخته و در قسمت دوم آن، به تحلیل

تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) اشاره شده است. در قسمت سوم نیز تحلیل آماری مطالعه میدانی تأثیر مجازات در پیشگیری از بدحجابی با رویکردی به استان قم، مطرح شده و در نهایت، نتایج و پیشنهادها برای برون رفت از معضل بدحجابی ارائه گردیده است.

۱. مفهوم شناسی حجاب و پیشگیری

در معنای لغوی حجاب آمده است: پرده و ستر، نقابی که زنان، چهره خود را بدان پوشانند، روبند، برقع، چادری که زنان، سر تا پای خود را بدان پوشانند. (معین، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۳۴۰)

استعمال عبارت حجاب برای پوشش زنان، امری جدید است و تا قبل از این، فقها و عامه مردم، از عبارت «ستر» در مورد پوشش استفاده می نمودند که این عبارت با فتحه به معنای پوشنده است و جمع آن، ستور و استار و به معنای پرده حجاب در پوشش آمده است (جوهری، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۶۷۲). لذا معنای اصطلاحی حجاب، همان پوشش بانوان می باشد که دارای دو بعد ایجابی و سلبی است. منظور از بعد ایجابی آن، پوشاندن تمامی بدن توسط خانم ها در معاشرت با مردان و بعد سلبی آن، پرهیز از هر نوع خودنمایی در برابر نامحرمان است. این دو بعد توأمان باید با یکدیگر همراه باشند تا حجاب اسلامی محقق شود.

پیشگیری در لغت، به معنای دفع، جلوگیری، جلوگیری کردن و مانع گشتن آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۷۳۳) و در اصطلاح، هر اقدامی که به منظور ممانعت از وقوع یک پدیده، قبل از آن، انجام شود، پیشگیری از آن پدیده محسوب می شود. (خسروشاهی، ۱۳۹۳، ص ۲۵)

به نظر نگارنده، پیشگیری، مجموعه اقداماتی است غیرکیفری که با تأثیرگذاری بر فرایندهای بروز بزهکاری یا عوامل انحراف، از وقوع جرم یا کج روی جلوگیری نماید. لذا تدابیر کیفری به جهت اینکه پسینی می باشند، به معنای دقیق کلمه، در مجموعه پیشگیری قرار نمی گیرند.

۲. تحلیل تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) سعی جدی بر این شد تا شریعت اسلام و فقه گرانشنگ شیعه به گونه ای قابل توجه، در سیاست جنایی ایران تأثیرگذار باشد. این موضوع، هم در قانون اساسی و هم در قوانین عادی نمود یافت، اما در تحقق این هدف، غفلت ها و افراط هایی از سر قصور یا تقصیر صورت گرفت که منشاء اصلی آن در عدم توجه جدی قانون گذار به فقه پویای شیعه است. یکی از آن موارد، ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی به ویژه تبصره آن می باشد که در خصوص بدحجابی اقدام به جرم انگاری نموده است. (هاشمی، ۱۳۸۶، ۴۶۸)

فلسفه جرم انگاری بدحجابی، فقط صرف مجازات متخلفان نبوده؛ بلکه قانون گذار، در مقام بیان اهمیت این مسئله اخلاقی بوده است. بدین جهت، با اعلام ممنوعیت بدحجابی، جایگاه ویژه حجاب را روشن ساخته و درصدد است با بهره گیری از راهکارهای قضایی، با پدیده مذکور برخورد نماید.

۲.۱. عنصر قانونی جرم بدحجابی

لازمه برخورد با عمل ضد قانون، وضع مجازات قانونی از سوی قانون گذار است؛ زیرا بر طبق ماده دو قانون مجازات اسلامی: «هر رفتاری، اعم از فعل یا ترک فعل، که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می شود.»

بنابراین، عنصر قانونی جرم، رعایت نکردن حجاب شرعی تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی است. بر اساس این تبصره، زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ده روز تا یک ماه و پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.

از قید «شرعی بودن حجاب» درمی یابیم که مرجع تعریف حجاب مذکور در قانون، شارع مقدس و فقه امامیه است. در خصوص امکان مراجعه به فقه امامیه در مورد سکوت و اجمال قانون باتوجه به اصل ۱۶۷ و ۳۶، دیدگاه های مختلفی بیان گردیده است که در این

مجال نمی‌گنجد؛ لیکن در این مورد خاص، اصل جرم‌انگاری صورت گرفته است و برای تشخیص موضوعات و مصادیق، به شرع مراجعه می‌شود، لذا مشکلی از جهت تفسیر دو اصل پیش‌گفته به وجود نمی‌آید.

قابل ذکر است که اگرچه باتوجه به منابع فقهی می‌توان تعریف حجاب شرعی را یافت، اما قانون مجازات می‌بایست برای تابعان آن روشن باشد و چه بهتر بود قانون‌گذار خود حدود شرعی حجاب را روشن می‌نمود.

پیش از ماده یادشده، مستند قانونی جرم بدحجابی، ماده چهار قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس مصوب ۱۳۶۵ بود که استفاده از این لباس‌ها در ملاء عام، خلاف است یا عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند. برابر این ماده: «کسانی که در انتظار عمومی، وضع پوشیدن لباس و آرایش آنان، خلاف شرع یا موجب ترویج فساد و یا هتک عفت عمومی باشد، توقیف و خارج از نوبت در دادگاه صالح، محاکمه و حسب مورد، به یکی از مجازات محکوم می‌شوند». قانون مجازات اسلامی، ورود خاص بر عام است؛ زیرا ماده چهار، برای همه اشخاص عمومیت دارد، ولی قانون مجازات اسلامی، تنها به جرم نداشتن حجاب شرعی زنان اختصاص یافته است. بنابراین، قانون مجازات اسلامی در حدود تعارض، قانون سابق خود را تخصیص زده است. شایان ذکر است قانون مذکور به قوت خود باقی مانده و مستند قانونی برای جرم عدم رعایت پوشش شرعی از سوی مردان است. از جهتی دیگر، هدف این قانون درباره شیوه برخورد انتظامی و قضایی با جرم ظاهر شدن بدون حجاب شرعی در انتظار عمومی باید ملاک عمل قرار گیرد (ذاکر حسین، ۱۳۸۶، ص ۴۹۹). از ایرادات مطرح در قانون ذکرشده، عدم تناسب مجازات مقرر نسبت به سایر قوانین مشابه است. مجرمین مشمول ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی، غالباً معلول و قربانی جرم هستند و قبح عمل آنان نسبت به مجرمین موضوع قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آنها در ملاء عام خلاف شرع است یا عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند، از اهمیت کمتری برخوردار است، باین حال، مجازات بدحجابان، از مجازات تولیدکنندگان بیشتر بوده است و قابلیت انعطاف کمتری دارد.

۲,۲. عنصر مادی جرم بدحجابی

اجزاء تشکیل دهنده عنصر مادی جرم عبارت‌اند از؛ رفتار فیزیکی، شرایط لازم برای تحقق جرم، نتیجه و رابطه سببیت، که لازم است میان جزء اول و جزء سوم، رابطه برقرار باشد. در پاره‌ای از جرایم، جزء نتیجه، ضروری نیست و صرف ارتکاب عامدانه رفتار فیزیکی، با وجود سایر شرایط، موجب تحقق جرم خواهد بود. این دسته از جرایم را باید مقید دانست که کامل شدن جرم، منوط به تحقق نتیجه مجرمانه است. باتوجه به این توضیحات، در ادامه به بررسی اجزاء عنصر مادی جرم بدحجابی می‌پردازیم. قبل از آن باید متذکر شد جرم مذکور، باتوجه به تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی (در بخش تعزیزات)، از جرایم مطلق محسوب می‌شود؛ زیرا قانون‌گذار ایران، صرف ارتکاب رفتار مجرمانه را برای تحقق جرم کافی دانسته است و لذا حصول نتیجه از این رفتار، ضروری نیست.

۲,۲,۱. رفتار فیزیکی جرم بدحجابی

رفتار انسان ممکن است به صورت‌های مختلفی متعلق حکم جزایی قرار گیرد. گاه قانون‌گذار، مخاطبان خود را از فعل خاص منع می‌کند. در این صورت، ارتکاب این فعل، تخطی از نواهی قانون‌گذار و جرم به شمار می‌رود. گاه مخاطبان قانون‌گذار، به انجام دادن فعلی تکلیف شده‌اند که این بار، ترک فعل، نقض اوامر قانون‌گذار و جرم محسوب می‌شود. گاه نیز تلفیق هر دو صورت، جرم خاصی را پدید می‌آورد که به جرم فعل ناشی از ترک فعل موصوف است (اردبیلی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۲۵۳). در خصوص جرم بدحجابی، رفتار عدمی و سلبی است. به عبارت دیگر، ترک فعل، رفتار تشکیل دهنده این جرم می‌باشد؛ بدین معنی که امتناع بانوان از ایفای تکلیف قانونی رعایت حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی، موضوع حکم قانون‌گذار بوده است. از خصایص جرایم مبتنی بر ترک فعل، سهولت اثبات آن است؛ زیرا امری عدمی و موافق با اصل عدم می‌باشد، در صورتی که امر حدوثی، چون مخالف اصل عدم بوده، نیازمند اثبات است. همچنین، وسیله در ارتکاب جرم بدحجابی، مناط اعتبار نبوده و موضوعیت ندارد؛ لذا ظاهر شدن مرتکب در اماکن و انظار عمومی که کفایت حجاب شرعی را نکند، مصداق جرم مذکور به حساب می‌آید.

۲،۲،۲. شرایط لازم و اوضاع و احوال جرم بدحجابی

اولین شرط آن است که زنانی که بدون حجاب شرعی هستند، در معابر و انتظار عمومی ظاهر شوند. قانون‌گذار با جرم‌انگاری، از بزه‌دیده حمایت نموده و بزهکار را مجازات می‌کند. بزه‌دیده در تبصره یادشده، اعتباری می‌باشد؛ زیرا قانون‌گذار با جرم‌انگاری آن، از سلامت روانی، امنیت اخلاقی جامعه و خانواده صیانت و حمایت نموده است. در واقع، فلسفه جرم‌انگاری در این باب، از حیث جرایم مانع بوده است به این صورت که با کیفر مرتکبین، از بروز جرایم عفاف و منافعی عفت، پیشگیری کرده است. شخصیت بزهکار در این ماده، باتوجه به شرط مذکور در بالا، منصرف به زنان می‌باشد؛ لذا مردان از شمول ماده، خارج‌اند. متعلق این حکم، تمامی زنانی است که در قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی قرار دارند، و آنان مکلف به رعایت حجاب شرعی هستند. عواملی از قبیل مذهب و تابعیت، در تحقق جرم، موثر نخواهند بود (ذاکر حسین، ۱۳۸۶، ص ۵۰۲). پس چنانچه یک زن غیرمسلمان یا یک زن بیگانه که اهل ایران نیست، در انتظار عمومی، بدون حجاب شرعی ظاهر شود، بر اساس قانون مذکور، قابل مجازات است. همچنین قاعده جهل به قانون، رافع مسئولیت کیفری نیست و در این مورد نیز جاری می‌باشد؛ به‌ویژه آنکه حجاب شرعی، نمادی از اسلام و ضروریات دین است. شایان ذکر است که شخصیت بزهکار، علی‌الاصول منوط اعتبار نیست، مگر اینکه قانون‌گذار تصریح کرده باشد.

مکان جرم مذکور، معابر و انتظار عمومی است. حکم شماره ۴۱۳ - مورخ ۱۳۶۱/۲/۳۱ دیوان عالی کشور، آن را به این صورت تعریف کرده است: مقصود از ارتکاب عمل منافعی عفت به طور علنی اعم است از اینکه عمل، در مرئی و منظر عمومی واقع شود و یا در مکانی که مستعد عموم باشد و قصد مرتکب، پنهان نمودن محل و احتراز از علنی بودن و آشکار شدن آن تأثیری نخواهد داشت. بنابراین، ارتکاب عمل در علن خواهد بود.

معابر عمومی شامل خیابان‌ها و کوچه‌هایی است که منتهی به معبر دیگر شده و یا منتهی به اراضی مباح شود و منتهی به ملک غیر نشده باشد. در فقه آنها را «طرق نافذه» در مقابل «طرق مرفوعه» می‌نامند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ص ۶۶۰)

از موارد بیان شده نتیجه می‌گیریم که اماکن عمومی و علنی، به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

الف) مکان عام طبیعی (ذاتی): به مکان‌هایی می‌گویند که به طور طبیعی و ذاتی، علنی هستند و از طرفی، همیشه به روی عموم باز است و رایگان و بدون قید و شرط، از آن استفاده می‌کنند. نمونه آن، خیابان‌ها، کوچه‌ها، راه‌های عمومی، میدان‌ها، جنگل‌ها، پارک‌ها و باغ‌های غیرمحصور و نظیر آنها است (زراعت، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۴۳۹). در این مکان‌ها، عمل، علنی است؛ هرچند در اجرای عمل، مشاهده‌گری در میان نباشد یا مرتکبان، خود را به صورتی از انظار عمومی پنهان کرده باشند. این اماکن در زمان‌های مختلف شب و روز، برای استفاده عموم مهیا است، پس مقصود از «علناً» در این مکان‌ها، علناً به معنای اخص کلمه، یعنی حضور تماشاچی و ناظر نیست. (همان، ج ۳، ص ۵۶)

ب) مکان مباح همگانی (علنی و در نتیجه عمل انسانی): این مکان‌ها به طور طبیعی و ذاتی، علنی نیستند؛ بلکه در نتیجه عمل انسانی و به منظور استفاده خاص، علنی می‌شوند و در وقت معینی، برای همگان آزاد هستند؛ مانند مساجد، کلیساها، مدرسه‌ها، دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها، دادگاه‌ها، اداره‌های دولتی، مغازه‌ها، فروشگاه‌ها و به طور کلی، همه مکان‌هایی که عموم افراد می‌توانند در برابر پرداخت وجه و استفاده از کالایی به آن راه یابند؛ مانند کافه‌ها، رستوران‌ها، سینماها، تئاترها و نظایر آنها.

شرط علنی بودن در این مکان‌ها در صورتی است که عمل در ساعت‌هایی انجام گیرد که مکان‌های یادشده، برای استفاده اشخاص باز باشد. البته در ساعت‌هایی که باز نیستند، بیشتر به مکان خصوصی شباهت پیدا می‌کنند. نکته قابل توجه این است که باید به محل و چگونگی حفاظت مکان توجه کرد. برای مثال، اگر حصار مکان، نرده‌ای یا شیشه‌ای باشد، به گونه‌ای که حتی هنگامی هم که بسته باشد، در انظار عمومی قرار دارد، صرف قابلیت داشتن، کفایت می‌کند و به بیننده و ناظر نیاز ندارد. اگر حصار و حفاظ آن، به گونه‌ای باشد که دیگر در انظار عمومی نباشد. در ساعت‌هایی که بسته است. حکم مکان خصوصی را دارد و به ناظر نیاز نیست. (عظیم‌زاده اردبیلی، ۱۳۸۷، ص ۵۶۴)

ج) مکان شخصی در معرض دید: منظور، مکانی شخصی است که دیگران حق ورود به آن را ندارند، ولی قابلیت دیدن دارد؛ مانند عملی که در بالکن مشرف به کوچه انجام می‌شود. در این مورد نیز دیده شدن، لازم نیست؛ بلکه امکان دیدن، کفایت می‌کند.

د) منظور، مکانی شخصی است که دیگران هم حق ورود به آن را ندارند و با احتیاط‌های لازم، در معرض دید عموم قرار گرفته است. در این مورد، وجود ناظر و شاهد، الزامی است؛ مانند آنکه شخصی در باغی کاری انجام داده و در باغ باز بوده و عابری آن را دیده است یا اینکه عمل حرام در داخل اتاق خانه‌ای انجام گرفته که پنجره‌هایش مشرف به خیابان بوده و پرده‌های اتاق کشیده نشده است. در نتیجه، عابران، آن کار را دیده‌اند. (زراعت، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۴۳۹) حال سؤال این است که چنانچه خانمی در خودرو مرتکب بدحجابی شود، ارتکاب آن جرم در وسیله نقلیه، مشمول عنوان حضور در معابر یا انظار عمومی خواهد بود؟

در آیین دادرسی کیفری، از نظر مدت فاصله زمانی میان وقوع جرم و کشف آن، جرایم به دو دسته مشهود و غیرمشهود تقسیم می‌شود. ماده ۴۵ آیین دادرسی کیفری، بدون اینکه تعریفی از جرایم مشهود ارائه دهد، در هفت بند به ذکر مصادیق آن می‌پردازد. جرم در موارد زیر مشهود است:

۱. در مرئی و منظر ضابطان دادگستری واقع شود یا مأموران یادشده بلافاصله پس از وقوع، مشاهده کنند.
۲. بزه دیده یا دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده‌اند، حین وقوع جرم یا بلافاصله پس از آن، شخص معینی را به عنوان مرتکب معرفی کنند.
۳. بلافاصله پس از وقوع جرم، علائم و آثار واضح یا اسباب و ادله یادشده به متهم محرز گردد.
۴. متهم بلافاصله پس از وقوع جرم دستگیر شود.
۵. جرم در منزل یا محل سکنای افراد، اتفاق افتاده یا در حال وقوع باشد و شخص ساکن، در همان حال یا بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود مأموران را به منزل یا محل سکونت خود درخواست کند.

۶. متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، خود را معرفی کند و وقوع آن را خبر دهد.

۷. متهم، ولگرد باشد و در آن محل نیز سوء شهرت داشته باشد...

لذا در صورت وقوع جرم بدحجابی در مرئی و منظر ضابطان دادگستری و دادستان یا بازپرس، جرم یادشده، مشهود بوده و از جهات قانونی شروع به تعقیب می‌باشد. همچنین پاسخ به پرسش یادشده، بستگی به تحلیل موقعیت مکانی خودرو و ارتباط آن با واژه‌های معابر و انظار عمومی دارد. چنانچه خودرو در معابر و انظار عمومی بوده و راننده آن خانمی بدحجاب باشد، این عمل، جرم بوده و قابلیت مجازات و تعقیب را دارد. در ضمن، چون خودرو در مرئی و منظر دید دیگران می‌باشد، ارتکاب بدحجابی در آن جرم است. لذا استناد برخی مرتکبین به این امر که خودرو مانند منزل شخصی، حریم خصوصی محسوب می‌شود، درست نمی‌باشد.

تبصره ماده ۵ قانون حمایت از امران به معروف و ناهیان از منکر، همین نکته را مورد تأکید قرار داده است. این تبصره مقرر می‌دارد: اماکنی که بدون تجسس، در معرض دید عموم قرار می‌گیرند، مانند قسمت‌های مشترک آپارتمان‌ها، هتل‌ها، بیمارستان‌ها و نیز وسایل نقلیه، مشمول حریم خصوصی نیست.

۲،۲،۳. نتیجه جرم بدحجابی

جرم بدحجابی از نظر حصول نتیجه مجرمانه، جرم مطلق است و صرف تحقق رفتار مجرمانه و تشکیل عنصر مادی در آن، مرتکب را مستوجب مجازات قانونی می‌سازد. حصول نتیجه مجرمانه، از شرایط تحقق این جرم نیست. بنابراین صرف مراعات نکردن حجاب شرعی در مناظر عمومی بدون در نظر گرفتن آثار منفی احتمالی مترتب بر آن یا بار نشدن چنین آثاری، موجب تحقق جرم است.

۲،۳. عنصر روانی جرم بدحجابی

برای تحقق جرم، نقض اوامر و نواهی قانون‌گذار به تنهایی کافی نیست. فعل یا ترک فعل مجرمانه باید نتیجه خواست و اراده فاعل باشد. به دیگر سخن، میان فعل مادی و

حالات روانی فاعل باید نسبتی موجود باشد تا بتوان مرتکب را مقصر شناخت. با این همه، تأثیر در ارتکاب جرم، همواره به یک نسبت و وسعت نیست. اگر اراده فاعل بر ارتکاب رفتار مجرمانه قرار گیرد و خواستار نتیجه آن شود، یا به بیان دیگر، هرگاه فاعل قصد رفتار و قصد حصول نتیجه آن را داشته باشد، عامد محسوب می‌شود. (اردبیلی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۳۳۶)

با عنایت به مباحث مذکور، جرم بدحجابی، در شمار جرایم عمدی است؛ لذا علم و اطلاع از مجرمانه بودن رفتار ارتكابی و آگاهی از نقض قانون به واسطه ارتكاب فعل مجرمانه یادشده، از شرایط تحقق آن نمی‌باشد. براین اساس، مرتکب بدحجابی نمی‌تواند با اظهار بی‌اطلاعی از مجرمانه بودن بدحجابی، از مجازات‌های خالی کند؛ همچنین مرتکب باید رفتار ارتكابی را با اراده و آگاهی انجام دهد. نکته شایان ذکر اینکه چنانچه اراده و آگاهی مرتکب زایل شود، به جهت فقدان این امور نمی‌توان مرتکب را مجازات نمود. برای مثال، اگر خانمی بر اثر مصرف مشروب و مواد مخدری که باعث ایجاد توهم می‌گردد، بدون حجاب شرعی در معابر و انتظار عمومی حاضر شود، مستند به ماده ۱۵۴ قانون مجازات اسلامی، قابل مجازات نمی‌باشد؛ لکن چنانچه ثابت شود مصرف مواد یادشده، به منظور ارتكاب جرم بدحجابی، یا با علم به تحقق آن صورت گرفته است، مرتکب، به مجازات بدحجابی و مصرف مشروب یا مواد مخدر توأمان محکوم می‌شود.

همان طور که انگیزه در انجام جرم، منوط اعتبار نیست، در مورد جرم بدحجابی نیز انگیزه مرتکب، داخل در مقام نمی‌باشد؛ زیرا انگیزه، امری متکثر است و به تعداد انسان‌های روی کره زمین انگیزه وجود دارد.

عنصر روانی که باید هم‌زمان با عنصر مادی محقق شود، غالباً از دو جزء سوء نیت عام و سوء نیت خاص تشکیل می‌شود. جزء اول، به معنای عمد در ارتكاب رفتار فیزیکی جرم است که لازمه آن، علم و آگاهی مرتکب نسبت به ماهیت رفتار است، و جزء دوم، به معنای قصد نتیجه است. لذا با توجه به توضیحات یادشده، سوء نیت عام جرم بدحجابی، قصد انجام رفتار بدحجابی با اراده و آگاهی می‌باشد.

حال سؤال این است که آیا برای تحقق این جرم، سوء نیت خاص نیز لازم است؟

اصولاً سوء نیت خاص، ناظر به قصد تحقق نتیجه است؛ لذا در اغلب جرائم مقید، سوء نیت خاص لازم است و از سوی دیگر، در جرایم مطلق، اصولاً چنین سوء نیتی شرط نمی باشد، اگرچه این امر، استثنائاتی نیز دارد. جرم بدحجابی نیز از این دسته جرائم بوده که قصد تحقق نتیجه در آن لازم نیست؛ زیرا همان گونه که گفته شد، این جرم مطلق است.

۳. تحلیل آماری مطالعه میدانی تأثیر مجازات در پیشگیری از بدحجابی با رویکردی به استان قم

فرایند پژوهش، دربردارنده همه فعالیت هایی است که با پی ریزی و تعریف مسئله مرتبط است. پژوهش، عبارت است از همه پژوهش ها، مطالعات یا کوشش های نظام یافته ای که برای افزایش شناخت خود از رویدادها و چگونگی رخ دادن آنها طرح ریزی می کنیم. پژوهش، دربرگیرنده ارائه تبیین نظری برای چرایی وجود مشکلات، گردآوری اطلاعاتی که تبیین ارائه شده برای مشکلات را اثبات یا ابطال کند و سپس تحلیل، ارائه و تفسیر این اطلاعات است. سرانجام باید نتایج موقتی به دست داده شوند که از تبیین نظری ارائه شده پشتیبانی کرده یا آن را ابطال کند.

همه پژوهش ها معمولاً مرحله های عمده مشخصی را پی می گیرند. پژوهشگران هنگام انجام پژوهش خود، از یک طرح سازمانی کلی پیروی می کنند. چنین طرحی عبارت است از (۱) پی ریزی مسئله (۲) طرح پژوهشی (۳) شیوه های گردآوری داده ها (۴) تحلیل داده ها (۵) ارائه یافته ها (۶) نتیجه گیری. (چمپیون، ۱۳۸۸، ص ۱۴۸)

بسته به هدف های پژوهشی، پژوهشگر از یک یا چند نوع شیوه گردآوری داده ها استفاده می کند. در این پژوهش، نقش مجازات و جرم انگاری در پیشگیری از بدحجابی را به صورت تجزیه و تحلیل اطلاعات به شیوه توصیفی. تحلیلی و همچنین پیمایشی انجام می دهیم. در وهله اول، با روش کتابخانه ای، مطالب را گردآوری نموده و در نهایت، از طریق توزیع پرسشنامه در میان جامعه آماری که به شش گروه (قضات، معلمان، نظامیان، روحانیان، دانشجویان و بازاریان) تقسیم شدند، به توصیف و تحلیل داده های تحقیق می پردازیم.

برای توصیف و تحلیل یافته‌های پژوهش، از روش آماری توصیفی (جدول، نمودار، میانگین و...) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی) استفاده شده است. نمونه آماری، بر اساس روش آلفای کرونباخ محاسبه می‌گردد. حجم نمونه، ۱۵۰ نفر تعیین گردیده و برای هر گروه، ۲۵ عدد پرسشنامه توزیع شده است.

متغیرهای پژوهش عبارت‌اند از: سن، جنسیت، وضعیت تأهل، مدرک تحصیلی، شغل و محل اقامت پاسخ‌دهندگان.

تحلیل داده‌ها مستلزم جدول‌بندی اطلاعات و مرتب کردن آن به شکلی است که بتوان آنها را تفسیر کرد. از جدول‌ها و نمودارها نیز می‌توان در تحلیل و توصیف اثر مجازات در پیشگیری از بدحجابی در استان قم بهره جست. در پرسشنامه، ۵ سؤال را در قالب شاخص پیشگیری کیفری (نقش مجازات و کارکردهای قانون) از بدحجابی مورد سنجش قرار دادیم. برای بررسی همبستگی و پایداری بین گویه‌ها، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. لازم به ذکر است که گویه ۶ «علت تفاوت در اعمال مجازات علیه مرتکبان بدحجابی از سوی قضات محترم، عدم تعریف حجاب و مصادیق بدحجابی است»، به علت پایین آوردن ضریب آلفا و عدم همخوانی با سایر گویه‌ها حذف شد. در مجموع، ضریب آلفای کرونباخ در سه متغیر، بالا بوده و نشان‌دهنده این است که گویه‌های مورد بررسی، برای سنجش کاملاً مناسب هستند.

جدول ۱- نتایج ضریب آلفای کرونباخ

متغیر	ضریب آلفای کرونباخ
پیشگیری کیفری	۰/۶۹۵

۳.۱. توصیف گویه‌های متغیر پیشگیری کیفری

وضعیت این متغیر، با استفاده از ۶ گویه، توصیف و بررسی خواهد شد که گویه ۳ و ۵ منفی و بقیه گویه‌ها مثبت هستند.

۳.۱.۱. توزیع نسبی پاسخگویان برحسب گویه شماره ۱

مجازات پیش‌بینی‌شده در تبصره ۶۳۸ قانون تعزیرات، باعث پیشگیری از بدحجابی

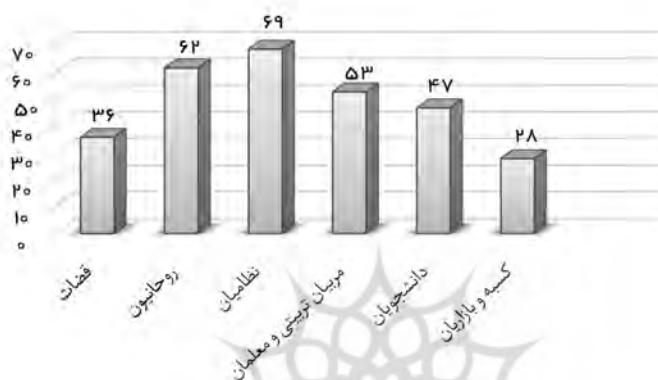
است. (حبس از ده روز تا دو ماه و یا پنجاه هزار ریال تا پانصد هزار ریال جزای نقدی) در رابطه با قانون حبس و یا پرداخت جریمه نقدی در پیشگیری از بدحجابی، بالاترین میزان توافق با اثرگذاری آن در بین گروه افراد نظامی و پلیس با میزان ۶۸ درصد (کاملاً موافقم و موافقم)، بعد از آن، ۶۰ درصد روحانیون، ۴۸ درصد مربیان تربیتی، ۴۰ درصد دانشجویان و تنها ۱۶ درصد بازاریان، موافق (و کاملاً موافق) نقش پیشگیرانه مجازات تعیین شده در قانون برای کاهش بدحجابی در جامعه هستند. کمترین میزان توافق نیز مربوط به بازاریان و کسبه با ۷۲ درصد مخالفت (کاملاً مخالفم) دیده می شود. گروه بازاریان، در محله خیابان صفاییه شهر قم، پرسشنامه را تکمیل کرده اند که به نظر می رسد علت مخالفت بالای ایشان، به دلیل مشاهده نزدیک رفتار پلیس امنیت اخلاقی در برخورد با بدحجابان بوده است. نکته قابل توجه این است که بعد از بازاریان و کسبه، بیشترین میزان مخالفت (۶۴ درصد)، در میان قضات دیده می شود. با توجه به نمره میانه و انحراف معیار، میزان موافقت بازاریان و قضات با این مجازات تعیین شده پایین بوده و اکثریت، اعلام مخالفت کرده اند. با عنایت به اینکه قضات، خودشان با تکرار جرم توسط بدحجابان مواجه هستند، نسبت به نقش بازدارنده مجازات مذکور مخالف بوده اند. در گروه مربیان تربیتی، معلمان و دانشجویان نیز میزان موافقت با این عامل در کاهش نرخ بدحجابی، متوسط ارزیابی می شود. ولی در مقابل، روحانیون و پلیس، موافقت بالایی با این قانون دارند.

از طرف دیگر، با توجه به نمره انحراف معیار، بیشترین اختلاف نظر درباره نقش این قانون در پیشگیری از بدحجابی، در میان دانشجویان دیده می شود؛ بدین ترتیب که ۴۰ درصد موافق و ۴۸ درصد مخالف هستند. براین اساس، بین افراد این گروه درباره توافق یا مخالفت با این گویه، یکسانی نظرات وجود ندارد.

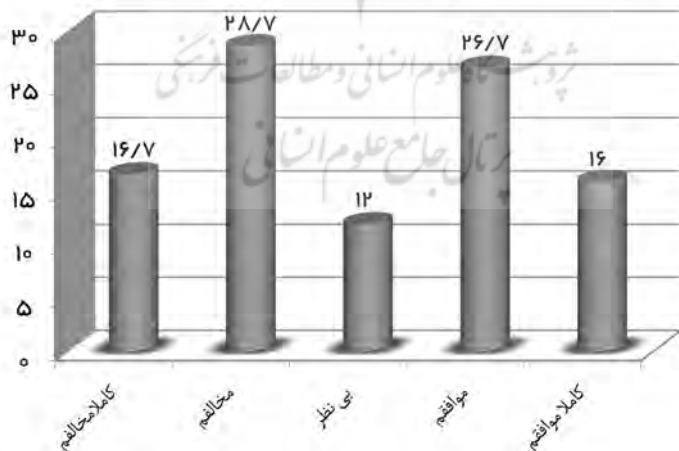
در نهایت، می توان میزان موافقت با اثرگذاری این قانون در پیشگیری از بدحجابی را در گروه ها، بدین گونه مرتب نمود: ۱. نظامیان ۲. روحانیون ۳. مربیان تربیتی و معلمان ۴. دانشجویان ۵. قضات ۶. بازاریان و کسبه.

در مجموع، در کل نمونه آماری، ۴۲/۷ درصد پاسخگویان، با اثر پیشگیرانه این مجازات،

موافق (و کاملاً موافق) هستند، ۴۵/۴ درصد مخالف (و کاملاً مخالف) بوده و ۱۲ درصد نیز نظری ندارند. با توجه به نمره میانگین و میانه، میزان موافقت با اثربخشی مجازات پیش‌بینی شده این قانون در پیشگیری و کاهش بدحجابی، در حد متوسط ارزیابی می‌شود.



نمودار ۱- توصیف آماری پاسخگویان برحسب گویه شماره ۱



نمودار ۲- نمودار مقایسه‌ای گروه‌ها برحسب گویه شماره ۱

۳،۱،۲. توزیع نسبی پاسخگویان برحسب گویه شماره ۲

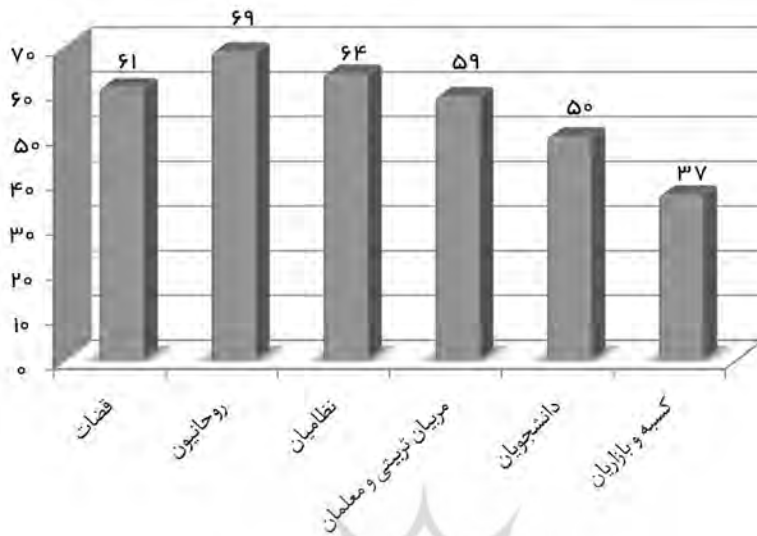
قاطعیت در اجرای مجازات مرتکبان جرم بدحجابی، اثر اربعایی در دیگران دارد و موجب پیشگیری از جرم مذکور می شود.

باتوجه به نتایج به دست آمده، بالاترین و پایین ترین نظرات عبارت اند از: ۷۶ درصد (کاملاً موافقم و موافقم) از روحانیون معتقدند که قاطعیت در اجرای مجازات، اثر اربعایی داشته و منجر به پیشگیری از بدحجابی می شود (بالاترین میزان موافقت در بین گروه ها). در مقابل، ۵۶ درصد (کاملاً مخالف و مخالف) از بازاریان و کسبه معتقدند که قاطعیت در اجرای مجازات، موجب پیشگیری از بدحجابی نمی گردد. (بیشترین مخالفت در بین گروه ها)

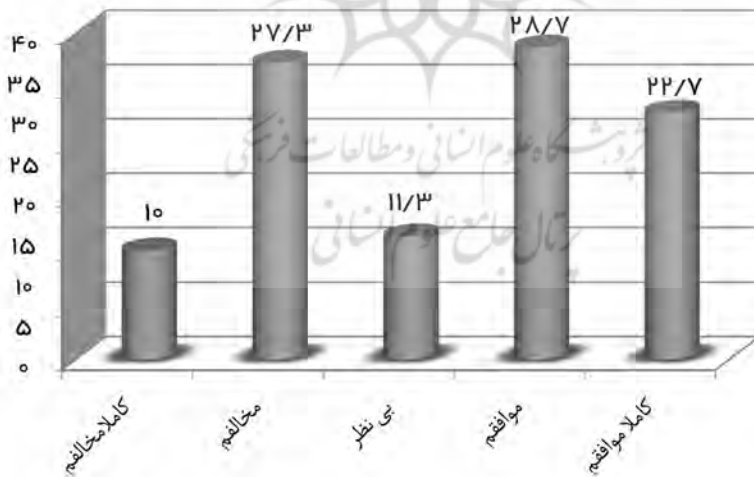
باتوجه به نمره انحراف معیار، بیشترین میزان تفاوت نظر درباره این گویه، در بین دانشجویان دیده می شود که تعداد مخالفین و موافقان، نزدیک به هم است و در مجموع، موافقت دانشجویان با اثر اربعایی و پیشگیرانه مجازات مرتکبین بدحجابی، در حد متوسط است. در مورد مربیان تربیتی و معلمان نیز باتوجه به نمره میانگین و میانه می توان گفت که بیشتر از نیمی از پاسخگویان، میانگین موافقت شان با این مورد، کمتر از نمره میانگین (۵۹) و در واقع، در سطح متوسط است.

در مورد قضات نیز نکات قابل توجه این است که ۴۰ درصد آنها مخالف اثر پیشگیرانه مجازات می باشند؛ لذا می توان میزان موافقت با اثر پیشگیرانه مجازات را در گروه های مورد بررسی، به ترتیب این گونه بیان داشت: ۱. روحانیون ۲. نظامیان ۳. قضات ۴. مربیان تربیتی و معلمان ۵. دانشجویان ۶. بازاریان و کسبه.

در نهایت می توان گفت در نمونه مورد بررسی (۶ گروه)، ۵۱/۴ درصد از پاسخگویان، موافق (و کاملاً موافق) با اثر اربعایی و پیشگیرانه مجازات مرتکبین بدحجابی بر دیگر افراد جامعه هستند. در مقابل، ۳۷/۳ درصد مخالف (و کاملاً مخالف) با اثر پیشگیرانه مجازات بر افراد جامعه می باشند و ۱۱/۳ درصد نیز نظری نداشته اند. باتوجه به نمره میانگین، میزان موافقت پاسخگویان با اثرگذاری قاطعیت در اجرای مجازات، کمی بالاتر از حد متوسط ارزیابی می شود.



نمودار ۳- توصیف آماری پاسخگویان برحسب گویه شماره ۲



نمودار ۴- نمودار مقایسه‌ای گروه‌ها برحسب گویه شماره ۲

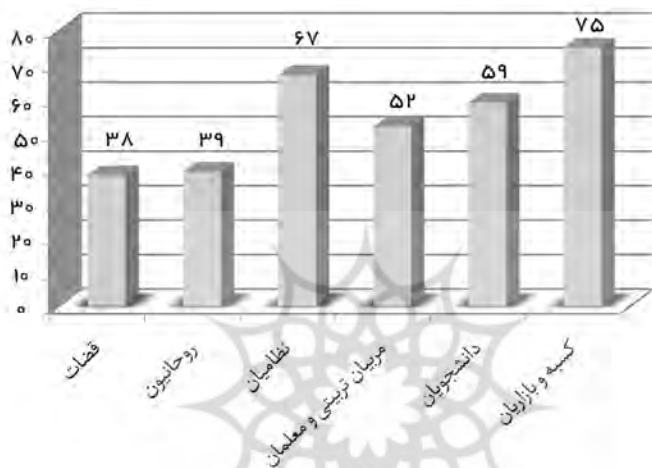
۳،۱،۳. توزیع نسبی پاسخگویان برحسب گویه شماره ۳

«واکنش کیفری، موجب جری شدن مرتکبان بدحجابی می شود.» این گویه منفی است؛ بدین معنا که هرچه میزان مخالفت با آن بیشتر باشد، پاسخگویان، موافقت بیشتری با تأثیر آن در پیشگیری از بدحجابی دارند؛ و هرچه میزان موافقت بالاتر باشد، بدان معناست که پاسخگویان، مخالفت بیشتری با واکنش کیفری داشته و معتقدند اثر منفی بر بدحجابان دارد. بنابراین ۷۶ درصد بازاریان و کسبه معتقدند (کاملاً موافق و موافق) که واکنش کیفری، موجب جری شدن مرتکبان بدحجابی می شود و در واقع، نظرشان این است که واکنش کیفری، اثر منفی بر بدحجابان داشته و موجب پافشاری و اصرار آنها بر بدحجاب بودن می شود (بالاترین میزان موافقت). در مقابل، ۶۴ درصد از روحانیون معتقدند که واکنش کیفری، باعث عقب نشینی مرتکبین بدحجابی شده و آنها را مجبور به اطاعت از قانون می کند. (بیشترین میزان مخالفت با گویه)

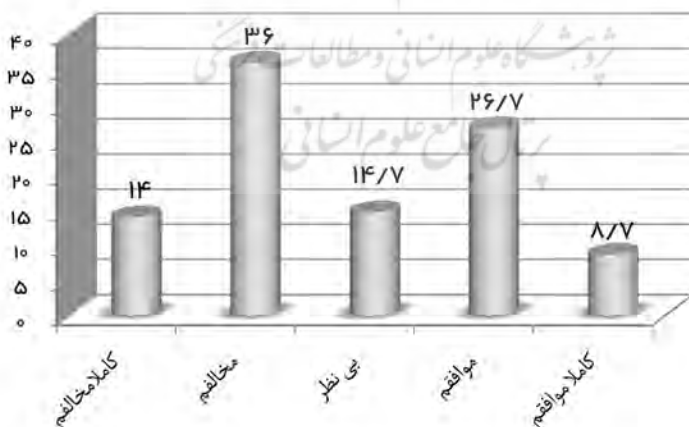
باتوجه به نمره میانگین و میانه، میزان موافقت بازاریان، دانشجویان و نظامیان با منفی بودن تأثیر واکنش کیفری، بالاتر از حد متوسط می باشد و درباره معلمان، متوسط ارزیابی می شود. همچنین ۶۸ درصد پلیس و نظامیان، ۵۶ درصد دانشجویان، ۴۴ درصد معلمان و مربیان، ۴۰ درصد قضات و ۳۲ درصد روحانیون، موافق تأثیر منفی واکنش کیفری هستند. در مقابل، ۶۰ درصد قضات، ۳۶ درصد مربیان و معلمان، ۲۸ درصد دانشجویان، ۱۶ درصد پلیس و نظامیان و تنها ۸ درصد بازاریان، مخالف تأثیر واکنش کیفری هستند.

ترتیب موافقت با گویه: ۱. بازاریان و کسبه ۲. نظامیان ۳. دانشجویان ۴. مربیان تربیتی و معلمان ۵. قضات ۶. روحانیون (برعکس گویه های مثبت، در گویه منفی، هرچه موافقت بالاتر باشد، نشان دهنده دیدگاه منفی گروه پاسخگو نسبت به پیشگیری کیفری در پیشگیری از بدحجابی است). بدین ترتیب، بالاترین میزان مخالفت با واکنش کیفری، در میان بازاریان، و بالاترین میزان موافقت با واکنش کیفری، در میان روحانیون دیده می شود. در مجموع، باتوجه به تمامی نمونه مورد بررسی باید گفت که ۵۰ درصد (موافق و کاملاً موافق) پاسخگویان معتقدند که واکنش کیفری موجب جری شدن مرتکبان بدحجابی می گردد. در مقابل، ۳۵/۴ درصد معتقد

به لزوم واکنش کیفی در برابر بدحجابی هستند و ۱۴/۷ درصد نیز در این باره نظری ندارند. باتوجه به نمره میانگین (۵۵/۱۳)، موافقت پاسخگویان، بالاتر از حد متوسط است و نمره میانه نشان می‌دهد بیش از نیمی از افراد بر این باور هستند که واکنش کیفی، تأثیر منفی بر بدحجابان داشته و موجب جری شدن آنها می‌شود.



نمودار ۵- نمودار مقایسه‌ای گروه‌ها برحسب گویه شماره ۳



نمودار ۶- نمودار توصیف آماری پاسخگویان برحسب گویه شماره ۳

توزیع نسبی پاسخگویان برحسب گویه ۴: قانون فعلی مجازات بدحجابی، بدون در نظر گرفتن عرف جامعه تدوین شده است.

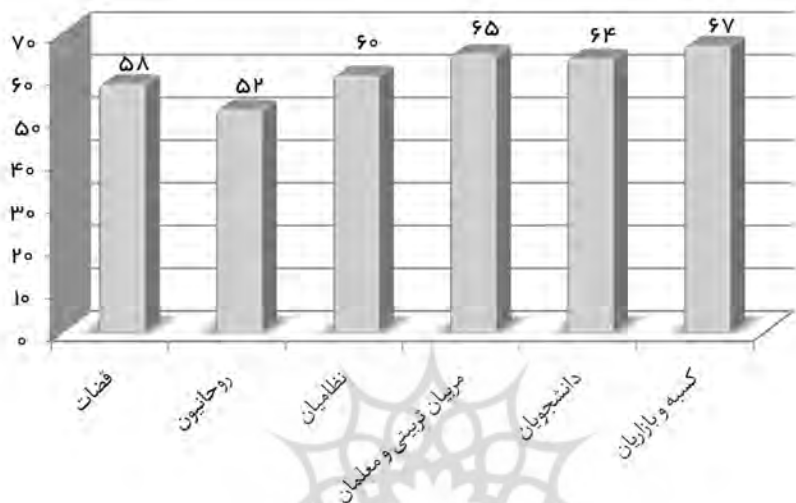
برعکس گویه قبل، پایین بودن میزان موافقت با آن، نشان دهنده موافقت با اعمال قانون فعلی مجازات بدحجابی است. در واقع، باتوجه به اینکه این گویه منفی است، هرچه میزان مخالفت با آن بیشتر باشد، نشان دهنده آن است که پاسخگویان، با قانون فعلی مجازات بدحجابی موافق بوده و در نتیجه، توافق بیشتری با اعمال مجازات سخت گیرانه در مورد مرتکبین بدحجابی دارند. برعکس، میزان موافقت با این گویه نشان می دهد که پاسخگویان، معتقد به اعمال تغییرات در قانون فعلی هستند و آن را مطابق با عرف جامعه نمی دانند.

با در نظر گرفتن نکته ذکر شده، ۶۴ درصد مربیان تربیتی و معلمان، ۶۰ درصد دانشجویان، ۶۰ درصد بازاریان، ۵۶ درصد نظامیان، ۵۴ درصد قضات و ۴۰ درصد روحانیون معتقدند (کاملاً موافق و موافق) که قانون فعلی مجازات بدحجابی، بدون در نظر گرفتن عرف جامعه تدوین شده و در نتیجه، نیازمند تغییرات است. در مقابل، ۴۸ درصد روحانیون، ۲۸ درصد پلیس و نظامیان، ۲۴ درصد قضات، ۲۴ درصد دانشجویان، ۱۲ درصد مربیان و معلمان و تنها ۸ درصد بازاریان، مخالف این گویه هستند؛ یعنی قانون فعلی مجازات را مناسب می دانند.

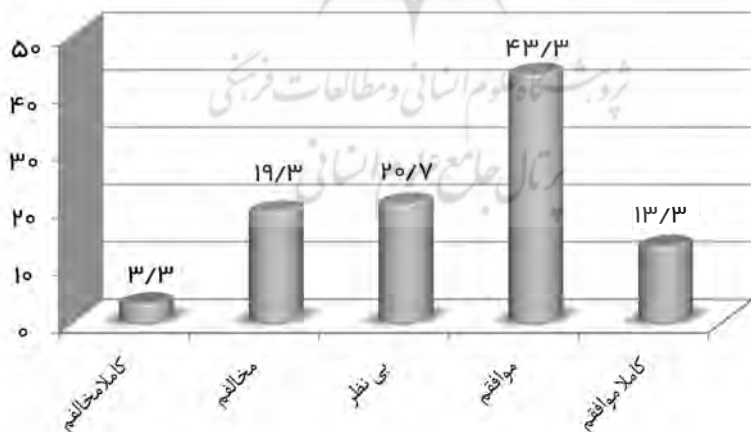
بدین ترتیب، بیشترین موافقت با این گویه، در بین مربیان و معلمان دیده می شود و بیشترین مخالفت، از طرف روحانیون مطرح شده است. البته باتوجه به نمره انحراف معیار، بیشترین میزان اختلاف نظر درباره قانون فعلی نیز بین روحانیون است؛ به طوری که ۴۸ درصد آن را مطابق عرف جامعه نمی دانند و ۴۰ درصد مطابق عرف جامعه و لازم الاجرا می دانند. باتوجه به نمره میانگین و میانه، میزان موافقت روحانیون با این گویه، متوسط ارزیابی می شود؛ درحالی که در سایر گروه ها، اکثریت غالب معتقد هستند که قانون فعلی مجازات، بدون در نظر گرفتن عرف جامعه تدوین شده است.

در مجموع، باتوجه به نمره کل تمام پاسخگویان، ۵۶/۶ درصد افراد، قانون فعلی را مطابق عرف جامعه نمی دانند، ۲۰/۷ درصد، در این باره نظری ندارند و ۲۲/۶ درصد، قانون فعلی

مجازات را مطلوب و قابل اجرا می دانند. در مجموع، میزان موافقت پاسخگویان با عدم تطابق قانون فعلی با عرف جامعه، زیاد محسوب می گردد.



نمودار ۷- توصیف آماری پاسخگویان برحسب گویه ۴



نمودار ۸- نمودار مقایسه ای گروه ها برحسب گویه شماره ۴

۳,۲. مقایسه وضعیت گویه های پیشگیری کیفری

طبق یافته های پژوهش، بالاترین میزان مخالفت (۴۴ درصد)، مربوط به گویه «مجازات پیش بینی شده در تبصره ۶۳۸ قانون تعزیرات، باعث پیشگیری از بدحجابی است». مخالفت با این گویه، در کنار موافقت ۵۶/۶ درصدی با گویه «قانون فعلی مجازات بدحجابی، بدون در نظر گرفتن عرف جامعه تدوین شده است»، بیانگر این نکته است که اکثریت افراد پاسخگو معتقدند به شرطی پیشگیری کیفری می تواند در کاهش نرخ بدحجابی تأثیرگذار باشد که تغییراتی در قوانین و نوع اعمال مجازات صورت گیرد.

روحانیون با ۷۶ درصد موافقت، در بین سایر گروه های مورد بررسی، نقش بیشتری را برای اثرگذاری پیشگیری کیفری بر کاهش بدحجابی قائل هستند. درحالی که تنها ۴ درصد (۱ نفر) از روحانیون، مخالف پیشگیری کیفری و در واقع، واکنش قانونی در برابر مجرمان بدحجابی است. بعد از روحانیون، به ترتیب ۴۴ درصد پلیس و نظامیان، ۴۴ درصد مربیان و معلمان، ۳۶ درصد قضات، ۲۸ درصد دانشجویان و ۸ درصد بازاریان، با نقش پیشگیری کیفری در کاهش بدحجابی، موافق (و کاملاً موافق) هستند.

در مقابل، ۵۶ درصد بازاریان، مخالف واکنش کیفری و مجازات قانونی در برابر مرتکبین بدحجابی هستند و اثرگذاری آن را بر پیشگیری از بدحجابی، بسیار اندک می بینند (تنها ۸ درصد یا دو نفر، موافق واکنش کیفری هستند). در مقابل، مخالفین با این گویه بعد از بازاریان عبارت اند از: ۲۰ درصد دانشجویان، ۲۰ درصد مربیان و معلمان، ۸ درصد قضات، ۴ درصد روحانیون و در میان پلیس و نظامیان، میزان مخالفت صفر است.

ترتیب گروه ها در میزان موافقت با پیشگیری کیفری: ۱. روحانیون ۲. پلیس و نظامیان ۳. مربیان تربیتی و معلمان ۴. قضات ۵. دانشجویان ۶. بازاریان

نکات قابل توجه این است که قضات، به عنوان افرادی که آشنایی کاملی به قوانین، نحوه اجرا و حدود آن دارند، به میزان متوسطی با پیشگیری کیفری موافقت دارند. اهمیت این مسئله وقتی بیشتر می شود که مشاهده می کنیم ۵۶ درصد قضات اعلام کرده اند در این باره نظری ندارند. در سه گروه پلیس و نظامیان، مربیان تربیتی و بازاریان، تعداد افرادی که

کاملاً موافق پیشگیری کیفری هستند، صفر می باشد؛ البته در مجموع و بین تمامی گروه ها، تعداد افرادی که با پیشگیری کیفری کاملاً موافق باشند، خیلی کم است. باتوجه به نمره انحراف معیار، بیشترین اختلاف نظر درباره اهمیت و نقش پیشگیری کیفری در کاهش بدحجابی، بین دانشجویان و کمترین اختلاف نظر، بین پلیس و نظامیان مشاهده می گردد.

در نهایت، در بین کل پاسخگویان، ۳۹/۳ درصد موافق (و کاملاً موافق) با پیشگیری کیفری هستند، ۱۸ درصد مخالف (و کاملاً مخالف) بوده و ۴۲/۷ درصد در این باره نظری ندارند. باتوجه به نمره میانگین و میانه، میزان موافقت پاسخگویان با اثرگذاری پیشگیری کیفری در کاهش بدحجابی و نقش بازدارنده آن، متوسط ارزیابی می شود. بخشی از این مخالفت، مربوط به عدم شفافیت قانون و تعریف حدود، شرایط و کیفیت آن و بخشی مخالفت با اصل واکنش کیفری و عدم تطابق مجازات با عرف جامعه است. البته لزوم آشنا کردن آحاد جامعه با اهمیت فقهی و حقوقی جایگاه حجاب در جامعه، به ویژه برای برقراری نظم و کنترل اجتماعی، ضروری به نظر می رسد.

نتایج تحلیلی (آزمون فرضیات آماری): آمار استنباطی مشخص می کند که آیا الگوها و

فرایندهای کشف شده در نمونه، در جامعه آماری هم کاربرد دارد یا خیر؟

فرضیه: عبارتی است که درباره ویژگی های جامعه بیان می شود و امکان دارد درست نباشد. اگر فرضیه تأیید شود، به معنای این است که آنچه در بخش نتایج توصیفی به دست آمد، قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد و اگر فرضیه تأیید نشود، به معنای آن است که نتایج توصیفی فقط در سطح نمونه مورد بررسی، قابل قبول است و احتمالاً قابل تعمیم به جامعه آماری نیست. در این بخش، فرضیه های تحقیق را باتوجه به نوع فرضیه ها و سطح سنجش متغیرها، آزمون خواهیم کرد.

فرضیه آماری اول: بین پیشگیری کیفری و کاهش بدحجابی، رابطه وجود دارد.

جدول ۲- همبستگی بین پیشگیری کیفری با بدحجابی

متغیر	آزمون	ضریب همبستگی	تعداد
پیشگیری کیفری	کای اسکوئر ^۲	کرامرز وی ^۲	۱۵۰
	۵۰/۸۵	۰/۴۱۲	
	...	...	

بین پیشگیری کیفری و کاهش بدحجابی در جامعه در سطح ۰۰۰، یعنی به احتمال بیش از ۹۹٪ رابطه معنادار وجود دارد. البته شدت این رابطه در بین گروه‌ها مختلف است. بیشترین شدت رابطه، مربوط به گروه روحانیون و کمترین شدت رابطه، مربوط به گروه بازاریان است. بدین ترتیب، فرضیه تحقیق، تأیید می‌گردد و قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد.

نتیجه‌گیری

در نظام جمهوری اسلامی ایران، قانون‌گذار با هدف حفظ ظواهر اسلامی جامعه ایرانی، حجاب را امری ضروری دانسته و تدابیر کیفری و غیرکیفری در پیش گرفته است. جرم‌انگاری بی‌حجابی و پیش‌بینی مجازات برای آن بر اساس تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی، از جمله اقدامات کیفری است. اعمال کیفر می‌تواند تهدیدی قابل توجه برای کسانی باشد که اندیشه جرم بدحجابی را در سر می‌پرورانند و مرتکب را نیز از ارتکاب مجدد جرم باز می‌دارد. تأثیرگذاری این مکانیزم در کنترل و پیشگیری از وقوع جرم، از دیرباز، به‌ویژه پس از ظهور علم جرم‌شناسی، مورد نقد و بررسی فراوان قرار گرفته است. مسلم است که هیچ نظام اجتماعی نمی‌تواند کیفر را به‌طور کلی حذف کند و در مواردی، کیفر هیچ جایگزین دیگری ندارد. نظر به ماهیت حجاب، به‌عنوان مسئله‌ای فرهنگی، می‌بایست در ابتدا در سه حوزه فردی، خانوادگی و اجتماعی، کار منسجم تربیتی برای نهادینه نمودن فرهنگ حجاب و عفاف صورت گرفته و در نهایت، پس از طی کردن راهکارهای فرهنگی، جهت مطیع نمودن افرادی که عناد با حجاب داشته و به‌هیچ‌وجه حاضر به اطاعت از قانون نیستند و با بی‌حجابی خویش سلامت و امنیت اجتماع را به خطر می‌اندازند، برخورد کیفری نمود. در این

مجال، پس از تحلیل ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی، به صورت مطالعه میدانی، امر تحقیق انجام گرفت. نتایج به دست آمده بدین شرح است:

در مجموع، در کل نمونه آماری، ۴۲/۷ درصد پاسخگویان، با اثر پیشگیرانه این مجازات موافق (و کاملاً موافق) هستند، ۴۵/۴ درصد مخالف (و کاملاً مخالف) بوده و ۱۲ درصد نیز نظری ندارند. با توجه به نمره میانگین ۴۹/۱۶ و میانه ۵۰، میزان موافقت با اثربخشی مجازات پیش‌بینی شده این قانون در پیشگیری و کاهش بدحجابی، در حد متوسط ارزیابی می‌شود. لذا میان مجازات کردن بدحجابی و پیشگیری از ارتکاب آن، ارتباط مستقیم وجود دارد. در خصوص قاطعیت در اجرای مجازات و نقش آن در پیشگیری از ارتکاب جرم بدحجابی، ۵۱/۴ درصد از پاسخگویان، موافق با این امر هستند. لذا صرف جرم‌انگاری به تنهایی کافی نیست؛ بلکه قاطعیت در اجرای مجازات، موجب پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم بدحجابی است. در واقع، باید قانونی تصویب شود که قابلیت اجرا داشته باشد؛ زیرا قانونی که اجرا نشود، موجب جری‌تر شدن مرتکبان می‌شود.

فهرست منابع

۱. اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۳)، *حقوق جزای عمومی*، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۲)، *ترمینولوژی حقوق*، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۳. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۸ق)، *صاحح اللغة*، بیروت: دار الفکر
۴. خسروشاهی، قدرت الله (۱۳۹۳)، *مراحل سه‌گانه پیشگیری از جرم در آموزه‌های قرآنی*، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. چمپون، دین جان (۱۳۸۸)، *روش تحقیق در عدالت کیفری*، ترجمه: علی شایان، تهران: نشر دادگستر.
۷. ذاکر حسین، محمد هادی (۱۳۸۶)، «نگاهی به جایگاه بزه رعایت نکردن حجاب شرعی در نظام حقوقی ایران»، *مجموعه مقالات حجاب: مسئولیت‌ها و اختیارات دولت جمهوری اسلامی ایران*، جلد اول (مقالات فقهی-حقوقی)، به کوشش: ابراهیم شفیعی سروستانی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۸. زراعت، عباس (۱۳۸۲)، *شرح قانون مجازات اسلامی: بخش تعزیرات*، تهران: انتشارات ققنوس.
۹. عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه (۱۳۸۷)، «بررسی مفاد فقهی و حقوقی جرم بی‌حجابی»، *مجموعه مقالات حجاب: مسئولیت‌ها و اختیارات دولت جمهوری اسلامی ایران*، جلد اول (مقالات فقهی-حقوقی)، به کوشش: ابراهیم شفیعی سروستانی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۰. محمودی، مرتضی و بابایی، محمد علی (۱۳۹۹)، «مبانی جرم‌انگاری عدم رعایت حجاب شرعی در حقوق کیفری ایران»، *نشریه پژوهش‌نامه حقوق کیفری*، ش ۲۱.
۱۱. معین، محمد (۱۳۷۱)، *فرهنگ فارسی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۲. هاشمی، سید حسین (۱۳۸۶)، «نقدی بر ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ش ۳۷.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی